

عنوان مقاله:

تفسیر هایدگر از فرونسیس در کتاب سوفیست افلاطون با نگاهی به کتاب هستی و زمان

محل انتشار:

دو فصلنامه تأملات فلسفی، دوره 11، شماره 26 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

مریم صمدیه - فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

مجید ملایوسفی - دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی

خلاصه مقاله:

هایدگر در کتاب سوفیست افلاطون، به تفسیر کتاب ششم اخلاق نیکوماخوس ارسطو و به ویژه مبحث فرونسیس پرداخته است. وی در این کتاب به پنج نحوه ی کشف و گشودگی دازاین یعنی اپیستمه، تخته، سوفیا، نوس و فرونسیس می پردازد. وی «اپیستمه و سوفیا» را از سنخ نحوه ی معرفتی و «فرونسیس و تخته» را از سنخ نحوه ی حساب گر نفس دازاین دانسته است. در واقع هایدگر پنج فضیلت عقلانی ارسطو را به عنوان نحوه های کشف و گشودگی دازاین معرفی می کند. وی سوفیا را به عنوان بالاترین نحوه ی معرفتی و فرونسیس را به عنوان بالاترین نحوه ی حساب گر دانسته است. لازم به ذکر است که هایدگر در نهایت فرونسیس را به جهت توجه در عمل به عنوان بالاترین نحوه ی کشف و گشودگی دازاین معرفی نموده است. از سوی دیگر در کتاب هستی و زمان در مباحث مربوط به دازاین و بویژه مناسبات دازاین با دازاین های دیگر، می توان به فرونسیس به عنوان نحوه ای از وجود دازاین پی برد. در واقع نحوه ی وجود آگزیستانسیال دازاین همان نحوه وجود فرونتیک است. نکته قابل توجه در نوشتار حاضر این است که هایدگر در کتاب سوفیست افلاطون همان تفسیری را از فرونسیس ارائه داده که در کتاب هستی و زمان وی قابل برداشت است. در واقع هایدگر برای بیان فرونسیس به وجود آگزیستانسیال دازاین اشاره و در نهایت نحوه رفتار اصیل را در عمل بر اساس ندای وجدان دانسته است؛ همان چیزی که در سوفیست افلاطون به عنوان وجدان فراموش نشدنی تعبیه شده است.

کلمات کلیدی:

هایدگر، سوفیست افلاطون، فرونسیس، دازاین، وجود آگزیستانسیال، هستی و زمان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1283049>

